

مطالعه کیفی مسائل و مشکلات دختران روستایی دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه

امیرحسین علی بیگی^۱، نسرين افشار^۲، مهنا شاهرادی^{۳*}

چکیده

در کشور ما، موانع متعددی در راستای تحقق مشارکت پویای دختران روستایی در توسعه وجود دارد. شاید بتوان ادعان داشت که دختران روستایی کم‌نصيب‌ترین افراد جامعه روستایی هستند. شناسایی مسائل دختران روستایی می‌تواند زمینه‌ساز رفع موانع توانمندسازی بخشی از نیروی جوان روستایی باشد، لذا هدف این پژوهش شناسایی مشکلات دختران روستا با بهره‌گیری از روش تئوری بنیانی تعیین شد. جامعه مطالعه شده، دختران روستایی شهرستان کرمانشاه بودند. داده‌های این تحقیق با روش مصاحبه عمیق و مشاهده مستقیم جمع‌آوری شد که تا زمان رسیدن به اشباع تئوریک ادامه پیدا کرد. یافته‌های پژوهش نشان داد دختران روستایی جامعه مطالعه شده با مسائل و مشکلات متعددی روبه‌رو هستند که در این بررسی، پدیده بیکاری به‌منزله مقوله هسته‌ای شناسایی شد و زمینه، علل ایجادکننده، مداخلات و استراتژی‌های مرتبط با این پدیده واکاوی شد. همچنین، به پیامدهایی اشاره شد که در صورت عدم ساماندهی وضعیت موجود دیر یا زود، تبعات مخرب آن را در جامعه روستایی و به‌طور قطع در جامعه شهری شاهد خواهیم بود.

کلیدواژگان

تئوری بنیانی، دختران روستایی، شهرستان کرمانشاه.

baygil@gmail.com

nafshar84@yahoo.com

shahmorade4468@gmail.com

۱. دانشیار دانشگاه رازی

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه رازی

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۸

مقدمه

زنان روستایی محور اصلی چرخ تولید و سازندگی روستا و دختران روستایی گمنامان تولید در عرصه‌های روستا هستند. در حال حاضر، حدود ۷۰ درصد از جمعیت ۲۴ میلیون نفری روستاهای ایران جوان‌اند و حدود ۷ میلیون از آن‌ها را دختران روستایی تشکیل می‌دهند [۶]. با عطف توجه به اینکه دختران جوان روستایی پرورش‌دهندگان نسل‌های فردای جامعه هستند، توجه به آنان و اعاده حقوق اجتماعی‌شان اهمیت صدچندانی می‌یابد، اما متأسفانه به‌رغم آنکه دختران روستایی توان بالقوه بالایی دارند و نقش‌های فراوان و مضاعفی در خانواده ایفا می‌کنند، مورد تبعیض‌های خاص قرار می‌گیرند و به سبب موانع اجتماعی و فرهنگی از جمله فرهنگ مردسالاری و ترجیح پسران، در حاشیه جامعه به‌سر می‌برند [۶]. این مسئله از آنجا خود را نشان می‌دهد که اصولاً در کشورهای جهان سوم دختران نسبت به پسران سطح بهداشت، تغذیه، آموزش و کیفیت زندگی پایین‌تری دارند [۲]. اشتغال به تحصیل دختران روستایی از سطوح پایین به بالا بسیار کم می‌شود. فقدان مدارس راهنمایی و دبیرستان دخترانه، دوری از مراکز شهری، کمی درآمد خانواده‌ها و توجه بیشتر به پسران در تحصیل باعث شده دختران روستایی محرومیت بیشتری از آموزش‌های رسمی داشته باشند. تحقیق‌ها نشان می‌دهد که پسران در روستا ده برابر بیشتر از دختران به مدرسه می‌روند و نبود آموزش‌های رسمی مانع اصلی رشد اجتماعی و مشارکت دختران روستایی شده است [۶]. از این رو، ضرورت توجه به مسائل و مشکلات دختران روستایی به‌منزله بخش مهمی از اجتماع روستایی و نیز به‌منزله یکی از گروه‌های به‌شدت آسیب‌پذیر جامعه، در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای و تحقیقات مرتبط با علوم کشاورزی و اجتماعی، احساس می‌شود. اما، متأسفانه تاکنون در کشور ما توجه اندکی به مسائل این قشر مهم و تأثیرگذار در اجتماع انجام گرفته است و آنان در روند توسعه و مطالعات مرتبط با این حوزه، تا حدود زیادی مورد غفلت واقع شده یا اغلب از منظری خاص مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، انجام چنین پژوهشی در راستای واکاوی عمیق مسائل و مشکلات دختران در جامعه روستایی نیازی بایسته به شمار می‌آید و بی‌گمان نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی، در رفع چالش‌های موجود و تدوین برنامه‌های جامع و کارا در جهت ارتقای زندگی این نسل آینده‌ساز جوامع روستایی، یاری رساند. بر این اساس، در این تحقیق سعی شد با توجه به ویژگی‌های خاص جامعه روستایی، با نگرشی متفاوت و کیفی، مسائل و مشکلات دختران روستایی تحلیل شود.

چارچوب نظری و تجربی

در دهه‌های اخیر، توجه به ابعادی مانند برابری در پایگاه قانونی، دسترسی به منابع روستایی و خدمات، فرصت مساوی در آموزش و اشتغال، گردآوری اطلاعات در مورد زنان روستایی و

حمایت از تشکل‌ها و در پی آن اعلام «دهه زن» از سوی سازمان ملل، انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی برای رفع تبعیض از زنان به وجود آورده است [۱۴]. از آن زمان تاکنون، واکاوی مسائل و مشکلات پیش روی زنان در جوامع روستایی، مورد توجه پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان متعددی قرار گرفته است. با توجه به اهمیت موضوع، نظریات مختلف هر یک به گونه‌ای مسائل مرتبط با زنان روستایی را بررسی و راهکارهایی جهت رفع آن ارائه کرده‌اند، با این حال در اکثر مطالعات انجام‌شده بهبود جایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی محور توجه بوده و مسائل مرتبط با دختران جوان و نوجوان روستایی در حاشیه قرار گرفته است. معدود مطالعات انجام‌گرفته در رابطه با دختران روستایی نیز با رویکردی کمی به بررسی مسائل و مشکلات آنان پرداخته‌اند و پژوهش کیفی و جامعی، که به بررسی ریشه‌ای این مسئله از ابعاد گوناگون پرداخته باشد، به ندرت انجام شده است. همچنین به‌رغم اینکه مسائل و مشکلات پیش روی دختران روستایی شامل ابعاد گسترده‌ای (همچون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مکانی، نژادی، جنسیتی و...) است، مسئله انواع نابرابری جنسیتی در خانواده و جامعه روستایی بیش از سایر ابعاد مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است؛ به نحوی که از دیدگاه بسیاری از محققان نابرابری جنسیتی در جوامع روستایی یکی از مسائل و مشکلات مهم زنان و دختران روستایی است که مشکلات فراوان دیگری از جمله نداشتن پایگاه اجتماعی، عدم دسترسی به فعالیت‌های آموزشی و... را در پی داشته است.

براساس مطالعات انجام‌شده، تبعیض جنسیتی نوعی تمایز جنسیتی در اجتماعی شدن است. به عبارت دیگر، تبعیض جنسیتی نگرش‌های تمایزآمیز و نابرابر عوامل اجتماعی‌کننده در تربیت دختران و پسران است که در این میان، این تمایز به نوعی به ضرر دختران و به نفع پسران بوده و نگاه تبعیضی به سوی دختران گرایش بیشتری داشته است [۲۱].

در نگاهی کلی، اگر چه براساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران متعدد، نابرابری جنسیتی دستاورد ساخت اجتماعی و دستاورد فرهنگ مردسالار محسوب می‌شود، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با نابرابری جنسیتی، مضامین مختلفی را برای آن در نظر می‌گیرند. نخست اینکه، زنان و مردان، نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیت‌های نابرابر نیز قرار گرفته‌اند. با توجه به این دیدگاه، زنان و دختران روستایی در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی جای دارند، منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های تحقق کمتری دارند. دوم اینکه، این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. نتایج مطالعات انجام‌شده حاکی از آن است که زنان در جوامع روستایی تابع سنت‌های رایج در فرهنگ محلی، نظام پدرسالاری و نقش‌های سنتی-جنسیتی هستند که به نوعی نابرابری جنسیتی را بر آنان تحمیل کرده است؛ به طوری که توزیع نابرابر قدرت، منابع و مسئولیت بین مردان و زنان از طریق سنت‌های

کهن نهادینه شده و در اندیشه زنان ریشه دوانیده و به صورت قانون درآمدی است [۱۲]. این نابرابری در فرصت‌ها و پیامدهای نابرابر سیاست‌های تعدیل ساختاری، زنانه‌شدن بخش غیررسمی اقتصاد و محرومیت زنان از امتیاز اشتغال رسمی، مهاجرت‌ها و از بین رفتن شبکه حمایت خانوادگی و قومی به سهم نابرابر و بیشتر زنان از فقر و پدیدار شدن مفاهیمی همچون «زنانه‌شدن فقر» منجر شده است [۱۳]. کیانگ^۱ و همکارانش (۲۰۰۸) نیز معتقدند تبعیض پنهان دختران روستایی در درون محیط اجتماعی بزرگ‌تر، نابرابری جنسیتی در درون ارزش‌های خانواده و ناآگاهی دختران از تأثیر این عوامل باعث شده دختران روستایی از احساس فقر و محرومیت بیشتری رنج برند [۲۲]. آمارهای جهانی نیز نشان می‌دهند زنان ۶۰ تا ۷۰ درصد فقرای جهان را تشکیل می‌دهند و احتمال فقر در میان زنان افزایش یافته است [۲۲].

سومین مضمون مستتر در نظریه‌های نابرابری به این مسئله اشاره دارد که هرچند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی‌هایشان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، هیچ‌گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز کند. در واقع، نابرابری جنسی از آنجا ناشی می‌شود که زنان در مقایسه با مردان قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نقش خود دارند؛ در حالی که هر دو در این نیاز سهیم‌اند. از دیدگاه بلومبرگ نیز نابرابری‌ها در سطوح مختلف از جمله نابرابری در توزیع قدرت، منزلت، دارایی و فرصت‌ها وجود دارد و این موقعیت نابرابر دختران یا همان زنان آینده در مقابل مردان به عدم توسعه جامعه منجر خواهد شد. با توجه به این دیدگاه، دختران روستایی که از اقشار مستضعف جامعه محسوب می‌شوند، عملاً هیچ امکانات مالی ندارند و بدون قدرت اقتصادی، منزلت اندکی دارند و کنترل کمی بر مسائلی از قبیل ازدواج، طلاق، فعالیت خانگی، سطح و نوع تحصیلات و آزادی در تحرک و تعقیب خواسته‌ها و علایقشان و دستیابی به فرصت‌ها دارند [۴].

هرچند در بسیاری از مطالعات انجام‌شده اهم عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی در روستا، جامعه‌پذیری جنسیتی بوده است، در برخی دیگر از مطالعات به نقش عوامل اقتصادی در نابرابری‌ها اشاره شده است. در این راستا، عامل فقر اقتصادی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود را بر وضعیت فرهنگی و اجتماعی خانواده برجای می‌گذارد، زیرا عدم اشتغال، درآمد و قدرت اقتصادی زنان، خود آسیب‌های اجتماعی بسیاری را به همراه خواهد داشت؛ همچون کاهش قدرت تصمیم‌گیری و چانه‌زنی زنان در خانواده، افسردگی و اضطراب [۱۶؛ ۲۳]. به‌زعم بسیاری از محققان، نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی نیز یکی دیگر از مسائل عمده‌ای است که دختران در جوامع روستایی با آن مواجه‌اند. نتایج مطالعه طالب و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «مسئله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی» نشان داد که محدودیت‌های تحصیلی یکی از عناصری است که موجب پدیده بی‌سوادی یا کم‌سوادی دختران روستایی و در نهایت فقر آن‌ها شده است [۱۰؛ ۱۱]. همچنین، بررسی آمارها مبین این مسئله است که فقدان و کمبود مدارس راهنمایی و دبیرستان

دخترانه و اختصاص سهم بیشتری از درآمد خانواده‌ها به تحصیل پسران باعث شده است که دختران روستایی محرومیت بیشتری داشته باشند [۲۴].

افزون بر تبعیض‌های جنسیتی در جوامع روستایی، مهاجرت فراگیر و شتابان روستاییان (به‌ویژه مردان و جوانان) به شهرها به کاهش نسبت جنسی و عدم توازن تعداد مردان و زنان در روستاها منجر شده است. این زنانه‌شدن فضای روستایی نه‌تنها تعادل جمعیت روستاها را از نظر سنی و جنسی به هم ریخته است، بلکه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نیز چالش‌های جدی ایجاد کرده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که مهاجرت مردان از روستا موجب کاهش فرصت ازدواج برای دختران و بالا رفتن نرخ تجرد می‌شود. از سوی دیگر، دسترسی پسران روستایی به مقاطع تحصیلی بالاتر و راه‌یابی آن‌ها به دانشگاه‌ها موجب صعودشان به طبقات اجتماعی بالاتر و گسترش دایره همسرگزینی ایشان می‌شود که این مسئله موجب به حداقل رسیدن فرصت‌های ازدواج برای دختران روستایی و دامن‌زدن هرچه بیشتر به مشکلات ایشان شده است. به عبارتی، خطر پیوستن به خیل مجردان قطعی در جوامع سنتی و بسته‌تر روستایی، دختران روستایی را با معضل جدی‌تری روبه‌رو کرده است [۱۸].

افزایش سن ازدواج و خطر تجرد قطعی دختران روستایی علاوه بر تشدید پیامدهای اجتماعی و روانی ناشی از آن، مانند ایجاد شرمساری و احساس حقارت و انزوا و زندگی حاشیه‌ای دختران، سال‌خوردگی جمعیت روستاها را نیز در پی خواهد داشت. به نحوی که باید گفت در سال‌های آتی با جمعیت انبوهی از زنان و دختران روستایی به‌عنوان ساکنان پایدار مناطق روستایی روبرو خواهیم بود. این گروه در حالی مسئولیت بهره‌برداری از امکانات و منابع موجود در روستاها را نیز برعهده خواهند داشت که احتمالاً از دسترسی به منابع مالی و اعتباری، آموزش و مهارت‌های لازم برای مشارکت در امور اقتصادی و اجتماعی و ایفای نقش خود در جامعه محروم‌اند. از این‌رو، چنانچه به توانمندی و رفع مسائل و مشکلات آنان توجه کافی نشود، طبعاً روند توسعه کشاورزی و روستایی با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد [۱۳]. همچنین، ازدواج‌نکردن دختران روستایی افزون بر ایجاد فشارهای اجتماعی بر ایشان، موجب تحقیر و سرزنش خانواده‌ها نیز در جامعه می‌شود. افرادی که فرزند دختر دارند، فشار اجتماعی فراوانی را متحمل می‌شوند. آن‌ها نگران گسترش حرف‌ها و شایعات درباره دختران‌اند، زیرا جوامع روستایی طعنه‌های دیگران درباره عدم ازدواج دختران و حرف‌های مردم درباره عبور و مرور دختران به منظور یادگیری مهارت، تحصیل و اشتغال را بی‌آبرویی تلقی می‌کنند [۱۵]. درحالی‌که در محیط شهری تأخیر در سن ازدواج پذیرفته شده و فرصت‌های بیشتری برای بلوغ فکری و عاطفی، تحصیل، کار و گذران اوقات فراغت - از تماشای تلویزیون گرفته تا ورزش، پارک، خیابان و اینترنت - و سهل‌گیری اجتماعی بیشتر در مناسبات اجتماعی و تنوع حضور در مراکز خرید و... به دختران داده است، اما اغلب این فرصت‌ها در اختیار دختران جوان روستایی ایران نیست یا اینکه صرفاً برای تعداد اندکی مهیاست [۱۸]. چالش‌های دیگری که دختران در

جوامع روستایی با آن مواجه‌اند، شامل فقدان مشارکت گسترده، فقدان دسترسی به اطلاعات، دانش و منابع، خشونت خانگی، پایین‌بودن پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان و سطح پایین مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای است [۳؛ ۵؛ ۶؛ ۹؛ ۱۰؛ ۲۳].

با توجه به مطالب مطرح‌شده، زندگی روستایی همراه با نظام اجتماعی- فرهنگی مختص به خود، انزوای جغرافیایی و عدم تعاملات گسترده، ناآگاهی، عدم اعتماد به نفس و قدرت کنترل بر زندگی خود، همواره به تقویت نابرابری‌ها و محرومیت‌های به‌مراتب بیشتر دختران در جوامع روستایی منجر شده است. این مسئله در کنار اولویت داشتن فرزندان ذکور در خانواده و فرهنگ مردسالاری در روستاها، وضعیت بغرنج‌تری را برای دختران روستایی رقم زده است؛ به نحوی که موجب نوعی انزوا و ناامیدی در آنان شده است. باین‌حال، با وجود محرومیت‌های مشهود در بین دختران روستایی، تاکنون مطالعه‌ای جامع درخصوص شناسایی معضلات ایشان در سطح استان کرمانشاه انجام نگرفته است، لذا مطالعه حاضر با بهره‌جستن از پارادایم کیفی و روش نظریه بنیانی درصدد است به بررسی مسائل و مشکلات دختران روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در بطن جامعه روستایی بپردازد. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش علاوه بر اطلاع‌رسانی درخصوص وضعیت فعلی دختران روستایی و شناسایی آسیب‌ها و مشکلات پیش روی آن، به برنامه‌ریزان و متولیان توسعه روستایی یاری رساند تا در تصمیم‌گیری‌های آینده خود رفع این مسائل را مد نظر قرار دهند.

روش‌شناسی

در این تحقیق، در راستای شناسایی مسائل و مشکلات دختران روستایی از روش نظریه بنیانی استفاده شد. به سبب آنکه لازم بود توصیفی که شرکت‌کنندگان ارائه می‌دهند عمیق باشد، برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند^۱ و روش‌هایی تکمیلی مانند مطالعه مدارک و اسناد کتابخانه‌ای بهره گرفته شد. جامعه پژوهش حاضر شامل دختران روستایی دهستان بالا دربند شهرستان کرمانشاه^۲ بود. این دهستان ۳ هزار خانوار دارد که در فاصله ۱۵ کیلومتری از شهر کرمانشاه قرار دارد. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدف‌مند، ۵۵ نفر از دختران روستایی در محدوده سنی ۱۷-۳۵ انتخاب شدند (جدول ۱). نمونه‌گیری تا اشباع و تکراری‌شدن اطلاعات ارائه‌شده از سوی شرکت‌کنندگان در تحقیق ادامه یافت. به عبارت دیگر، مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه پیدا کرد که محققان به این باور رسیدند که اظهار نظرهای پیرامون موضوع و هدف تحقیق به حالتی یکنواخت و تکراری رسیده است و جست‌وجوی بیشتر به یافتن داده‌های جدید منجر نمی‌شود که اصطلاحاً در تحقیقات کیفی به آن شاخص اشباع داده گفته می‌شود [۱۹].

1. semi structured interview

۲. به سبب اهمیت توجه به رعایت اصول اخلاقی در پژوهش و حفظ حقوق دختران روستایی مورد مطالعه، در این پژوهش به درخواست افراد مصاحبه‌شونده از ذکر نام روستاهای مطالعه‌شده اجتناب شد. همچنین، اسامی به‌کاررفته در متن مقاله ساختگی است.

جدول ۱. مشخصات دختران مشارکت کننده در پژوهش

گروه سنی	فراوانی	سطح تحصیلات	فراوانی
۱۷-۲۰	۲۴	ابتدایی	۴
۲۱-۲۵	۱۶	راهنمایی	۲۲
۲۶-۳۰	۹	دیپلم	۱۷
۳۱-۳۵	۶	فوق دیپلم	۷
		لیسانس	۵

در این مطالعه، با بهره‌گیری از روش نظریه بنیانی، تحلیل داده‌ها با سه رویه کدگذاری باز^۱، محوری^۲ و انتخابی^۳ صورت گرفت. در مرحله کدگذاری باز، پیاده کردن متن مصاحبه‌ها، مرور داده‌ها، استخراج مفاهیم از داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه، قیاس مفاهیم باهم، دسته‌بندی مفاهیم براساس تشابهات و تفاوت‌ها و تشکیل مقوله‌ها و انتخاب نام مناسب برای مقوله‌ها انجام شد. در کدگذاری محوری، داده‌ها در فرایندی مستمر با یکدیگر مقایسه شدند تا بعد از کدگذاری نیز پیوند بین مقوله‌ها مشخص شود. در این مرحله، کدهای حاصل از تحلیل و آن دسته از کدهایی که موضوع مشترک دارند در قالب مفاهیم جدید گروه‌بندی شدند. به عبارت دیگر، در کدگذاری محوری، داده‌هایی که در کدگذاری باز به مفاهیم و مقوله‌ها تجزیه شده بودند، به شیوه‌های جدیدی به یکدیگر می‌پیوندند تا ارتباط میان یک مقوله اصلی و مقولات فرعی‌اش نمایان شود. در این مرحله، برای هر مقوله اصلی، شش پرسش (شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای عمل / تعامل و پیامدها کدام‌اند؟) مطرح می‌شود و جواب‌های پرسش‌ها از بین مقوله‌های فرعی استخراج و در کنار مقوله‌های اصلی ثبت می‌شود [۱]. کدگذاری انتخابی عبارت است از تلفیق و توأم کردن طبقات به‌وجودآمده برای شکل‌گیری اولیه چارچوب تحقیق. در این مرحله، جمله‌هایی که قبلاً کدگذاری شده بودند دوباره باهم ترکیب شدند تا مقوله‌ای که قادر است سایر طبقات یا مفاهیم را به یکدیگر ارتباط دهد شناسایی شود و چارچوب مفهومی تحقیق به تدریج شکل گیرد. فعالیت عمده و اصلی این مرحله از تحلیل، ایجاد خط سیر داستانی است که همه طبقات را شامل می‌شود. آنچه در این مرحله اتفاق می‌افتد در واقع تحلیل کل‌نگرانه بر فرایندهایی است که در طول تحقیق رخ داده است و پژوهش‌گر براساس همه داده‌هایی که در اختیار دارد و برداشتی که خود در مسیر پر پیچ و خم پژوهش اندوخته، خط سیر داستان را دنبال می‌کند. برای اطمینان از صحت و پایایی داده‌ها از چهار معیار موثق بودن گابا و لینگولن^۴، اعتبار، تأییدپذیری، قابلیت اعتماد و انتقال‌پذیری استفاده شد [۲۳]. بدین منظور، محقق با محل‌های تحقیق ارتباط طولانی مدت داشت که به جلب اعتماد شرکت کنندگان و همچنین به درک محیط

1. open coding
2. axial coding
3. selective coding
4. Gubba & Lincoln

مطالعه شده کمک کرد. همچنین، از بازنگری شرکت کنندگان^۱ نیز برای تأیید صحت داده‌ها و کدها استفاده شد. به این صورت که بعد از کدگذاری، متن مصاحبه به شرکت کننده بازگردانده شد تا از صحت کدها و تفاسیر اطمینان حاصل شود و کدهایی که از نظر شرکت کنندگان بیانگر دیدگاه آنان نبود اصلاح شد.

یافته‌های تحقیق

محققان پس از تبدیل داده‌های حاصل از مکالمات انجام شده به متن، در جریان کدگذاری باز متن هر مصاحبه، سطر به سطر با دقت مطالعه شد تا هر جزئی که حاوی نکته‌ای مرتبط با سؤال اصلی پژوهش حاضر تلقی می‌شد، شناسایی شد و به آن برجستگی از کلمه یا کلماتی که گویای آن نکته بود، نسبت داده شد. در پایان این کدگذاری، مفاهیم ذیل از داده‌های جمع‌آوری شده درباره مشکلات دختران روستایی به دست آمد.

جدول ۲. مفاهیم اصلی حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

کد	مفاهیم	نمونه عبارت
A1	بیکاری دختران روستایی	دخترهای روستا هیچ کار خاصی ندارند. همه‌اش توی خونه‌ان. چاره‌ای ندارند.
B1	مخالفت خانواده با ادامه تحصیل دخترها	خانواده دیگه اجازه ندادن درس رو بخوانم.
C1	خستگی روحی	دوست دارم صبح نشه. همه روزهامون مثل هم شده.
D1	توجه خاص به فرزندان پسر	خانواده در مورد همه چیز از پسرها نظر می‌خوان.
E1	تأخیر در ازدواج	ازدواج برای دخترها دیر شده.
F1	کم‌رنگ شدن نقش خانواده‌ها در انتخاب همسر برای پسران	هر پسری از هر دختری خوشش بیاد براش خواستگاری می‌کنن. قبلاً خانواده‌ها به پسرها می‌گفتن دختر فلانی رو بگیر. حالا پسرها خودشون تصمیم می‌گیرن.
B2	عدم امکان ادامه تحصیل به دلیل نبودن مقاطع راهنمایی و دبیرستان در روستا	فقط دبستان داریم. برای راهنمایی و دبیرستان باید به روستاهای دیگه و شهر بریم که بیشتر خانواده‌ها اجازه نمی‌دن.
D2	جایگاه ویژه پسران در جامعه روستایی	بعضی خانواده‌ها فقط پسر می‌خوان. اگه کسی پسر نداره، مردم می‌گن اجاقش کوره.
G1	فشار اجتماعی بر دختران روستایی	جرئت ندارم توی روستا راه برم. چپ‌چپ نگامون می‌کنن.
C2	بی‌حوصلگی	دیگه از بیکاری کلافه شدم. حوصله هیچکی رو ندارم.
D3	وجود شرایط بهتر برای پسرها	پسرها درس هم نخونن، یه راهی براشون هست. اما برای دخترها هیچی.

ادامه جدول ۲. مفاهیم اصلی حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

کد	مفاهیم	نمونه عبارت
E2	کاهش خواستگاری از دختران روستا	از دخترهای روستا کمتر خواستگاری می‌کنن.
G2	زیر ذره‌بین بودن دختران روستایی	چهار تا زن که تو روستا باهم راه برن، انگشت‌نما می‌شن. دخترها که بدتر.
H1	پناه‌آوردن به ماهواره از سر بیکاری	هیچ برنامه‌ای نداریم. خیلی از دخترها و زن‌های روستا از بیکاری فقط ماهواره می‌بینن.
I1	تمایل به شهرنشینی برای یافتن حرفه	دخترهای شهر راحتن. اگه می‌شد ما هم می‌رفتیم شهر، لاف‌ل کاری، هنری یاد می‌گرفتیم.
D4	اولویت‌داشتن تحصیل فرزندان پسر	پدر و مادرمون فقط درس پسرها براشون مهمه.
G3	آزردگی از محدودیت‌های روستا برای دختران	ما هر جور می‌باشیم، حرف مردم هست.
J1	نبود مراکز تفریحی	جایی برای تفریح دخترها در روستا وجود نداره. برای خانواده هم مهم نیست.
E3	کاهش فرصت ازدواج	به خاطر دیر شوهر کردن هم برامون دلسوزی می‌کنن.
K1	وابستگی مالی دختران به افراد ذکور خانواده	درآمدی ندارم. همیشه باید چشمم به دست پدر و برادرم باشه.
B3	از دست دادن فرصت شغلی به دلیل تکمیل نکردن تحصیل	توی روستا یه گلخونه راه افتاده بود. گفتن اگه دخترها دیپلم دارن، بیان اینجا کار کنن. اما چون مدرک نداشتیم، نشد برای کار بریم.
J2	نبود سرگرمی برای اوقات فراغت دختران	سرگرمی نداریم. از صبح تا شب الکی وقتمون می‌گذره.
F2	همسرگزینی پسران روستایی براساس معیارهای ظاهری	دیگه پسرها به نظر خانواده‌ها احترام نمی‌دارن.
C3	سرمایه‌گذاری بیشتر خانواده‌ها روی پسرها	خانواده‌ها برای پسرها همه‌کاری می‌کنن. حتی اگه وضع مالی‌شون خوب نباشه.
E4	پایین‌بودن منزلت اجتماعی برای دختران مجرد	هرجا بریم، می‌پرسن هنوز شوهر نکردی؟
C4	تمایل به انزوا	دیگه نمی‌خوام تو هیچ مراسمی شرکت کنم. دوست دارم تنها تو خونه بمونم.
L1	بروز بیماری‌های جسمانی	همیشه مریضم. هر روز یه دردی دارم.
E5	افزایش دامنه انتخاب همسرگزینی برای پسران	بیشتر پسرها چون راحت هستن و به روستاهای دیگه و شهر می‌رن، با دخترهای غیر از دخترهای روستای خودمون ازدواج می‌کنن.
K2	نبود منبع درآمد برای دختران روستایی	هیچ کاری در روستا نیست که بتونیم برای خودمون پول جمع کنیم.
J3	نبود محلی خاص در روستا برای گذران اوقات فراغت دختران	جایی نداریم راحت دور هم بشینیم.

ادامه جدول ۲. مفاهیم اصلی حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

کد	مفاهیم	نمونه عبارت
	روستایی	
M1	عدم حمایت از توانمندی دختران روستایی	کلاس قالی‌بافی برامون گذاشتن. یاد هم گرفتیم. یک مقدار بافتم، اما چون دیدم تابلوفرش‌هایی که دخترخاله‌ام بافته فروش نرفته، دیگه ادامه ندادم.
G4	اضطراب دختران روستایی از حرف‌های اهالی روستا	اگه کاری داشته باشیم که مجبور باشیم چند بار در یک روز از خونه بیرون بیاییم، دل‌شوره داریم که پشت سرمون حرف بزنن.
N1	افزایش فشار خانواده‌ها بر دختران روستایی به‌واسطه مشاهده ناهنجاری در جامعه روستایی	چون بعضی دخترها هر لباسی می‌پوشن یا آرایش می‌کنن خانواده‌ها ما اون‌ها رو می‌بینن، به ما بیشتر سخت می‌گیرن.
I2	خستگی دختران از شرایط زندگی در روستا	مثل شهر نیست. حتی برای خرید یک جفت جوراب نمی‌شه تنها بریم خرید.
M2	عدم حمایت از توانمندی‌های دختران روستایی	کلاس برامون می‌ذارن، اما مدرک نمی‌دن که وام بگیریم.
G5	منحصرشدن محدودیت‌های اجتماعی به دختران روستایی	اگه تو روستا دختر و پسری باهم حرف بزنن، برای پسرها عیبی نداره. اما دختر دیگه اسمش درمی‌آد. همیشه دخترها قربانی‌ان. دیگه هیچکی براش نمی‌آد خواستگاری.
D5	رها بودن پسران از محدودیت‌های اجتماعی	مردم با پسرها کاری ندارن.
G6	فرهنگ شایعه‌سازی برای دختران روستایی	اگه از بیکاری توی روستا قدم بزنیم، برامون دست می‌گیرن. فوری می‌گن دختر فلانی چه تیپ پی کرده.
I3	گریز از محدودیت‌های روستا	دوست دارم شهر زندگی کنم. توی روستا همه چشم‌ها دنباله.
H2	تأثیر ماهواره بر معیارهای انتخاب همسر	به‌خاطر سریال‌های ماهواره بعضی دخترها هم دیگه از پسره‌های روستا خوششون نمی‌آد. وقتی می‌آن خواستگاری‌شون، زیر نظرشون نمی‌آد. به تیپ پسرها نگاه می‌کنن.
D6	برتری پسران خانواده	اگه توی روستا بخوایم خونه فامیلمون بریم، باید یه مرد، حتی برادر کوچیک‌ترمون، با ما بیاد. خودمون بزرگشون کردیم، اما اون‌ها هم برامون غیرتی‌بازی درمی‌آرن.
H3	تأثیر ماهواره در ناهنجاری‌های اجتماعی	به خاطر ماهواره بعضی دخترها قیافه‌شون عوض شده. آرایش می‌کنن. زود توی روستا انگشت‌نشون می‌شن. پشت سرشون حرف می‌زنن.
M3	دسترسی نداشتن دختران روستایی به بازار جهت ارائه تولیداتشان	اگه هم چیزی درست کنیم، فایده نداره. چون دست و پا نداریم ببریم شهر بفروشیم. جایی رو هم بلد نیستیم. مردها هم وقت ندارن. حوصله‌ش رو هم ندارن.
O1	برخورداری دختران از استعداد بالای تحصیلی	درسم از برادرهام بهتر بود. بیشتر دخترهای روستا درسشون خیلی خوب بوده.
L2	کسالت ناشی از فکر و خیال	چند بار حالم بد شد. مرکز بهداشت رفتم گفتن فشار داری. عصبیه.

در ادامه جریان کُدگذاری باز، مفاهیم به دست آمده با دقت بررسی شدند و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه شدند، در نتیجه مفاهیمی که ماهیت یکسان داشتند، یا از لحاظ معنا به هم مربوط می‌شدند، ذیل مفهوم‌های انتزاعی‌تر که «مقوله» نامیده می‌شوند، قرار گرفتند.

جدول ۳. مقوله‌های اصلی حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

ردیف	مقوله	نوع مقوله
۱	بیکاری و بی‌هدفی دختران روستایی	پدیده
۲	عدم امکان ادامه تحصیل	
۳	فرهنگ مردسالاری	
۴	عدم حمایت از توانمندی دختران	عوامل علی
۵	افزایش سن ازدواج در دختران روستایی	
۶	محدودیت‌های اجتماعی	
۷	ناابرازی‌های جنسیتی (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی)	
۸	استعداد بالای تحصیلی دختران	
۹	نبود مدرسه راهنمایی و دبیرستان	عوامل زمینه‌ای
۱۰	نبود مکان برای فراغت دختران	
۱۱	تغییر فرهنگ ازدواج	
۱۲	ماهواره	عوامل
۱۳	تفاوت‌های فرهنگی خانواده‌ها	مداخله‌گر
۱۴	وابستگی به برنامه‌های ماهواره	راهبردها
۱۵	حرفه‌آموزی	
۱۶	بیماری جسمی	
۱۷	روستاگریزی	
۱۸	مشکلات روحی و شخصیتی	پیامدها
۱۹	نداشتن استقلال مالی دختران	
۲۰	ناهنجاری‌های اخلاقی	

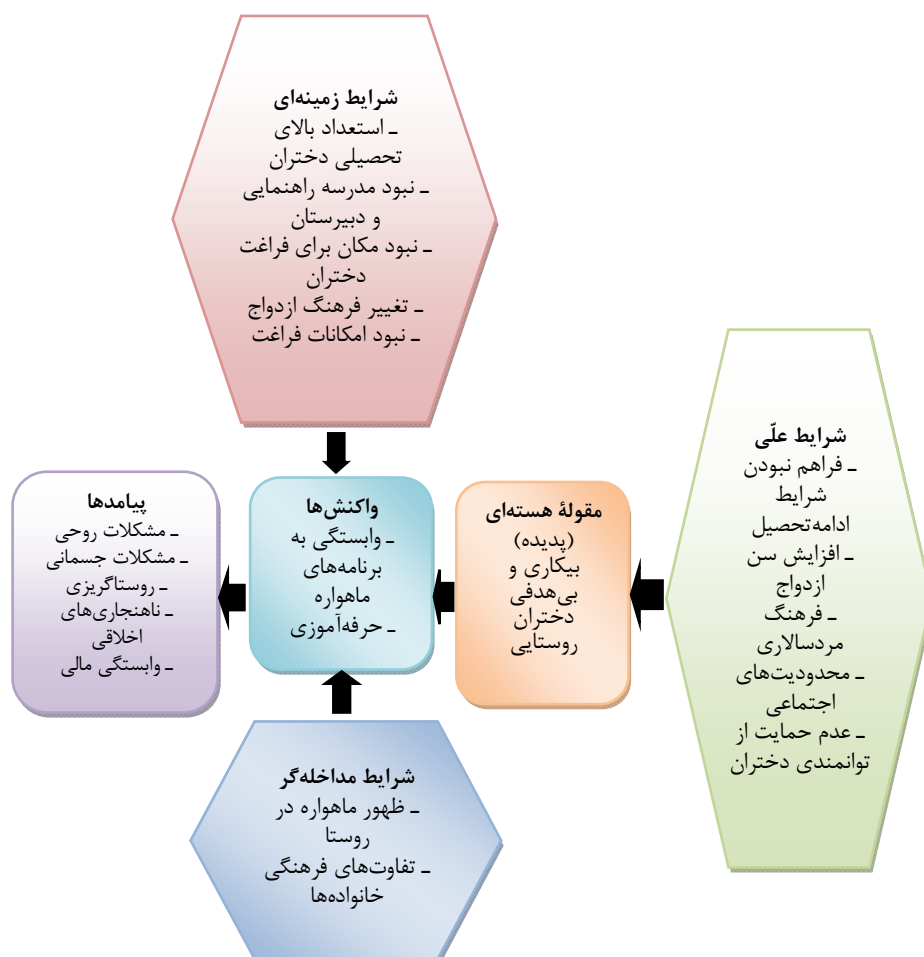
پس از اینکه مقوله‌ها شناسایی شدند، تحلیل‌گران شروع به پروراندن آن‌ها با استفاده از ویژگی‌ها و ابعادشان کردند. این عمل از آن جهت اهمیت داشت که با مشخص کردن ویژگی‌ها و ابعاد هر مقوله، به تحلیل‌گران و خوانندگان در تشخیص و تمییز یک مقوله از مقوله‌های دیگر و تعیین اینکه منظور ما دقیقاً از یک مقوله خاص چیست، کمک کرد. سپس در ادامه از آنجا که عمل مرتبط کردن مقوله‌های اصلی با فرعی در فرایند کُدگذاری محوری کاری پیچیده و دشوار بود، پژوهش‌گران در این مطالعه برای مرتب کردن و سامان دادن به ارتباطاتی که پدیدار می‌شدند، از مدل پارادایمی بهره گرفتند. بدین طریق، با مشخص کردن ویژگی‌ها و ابعاد و شناسایی الگوها، شالوده و ساختار اولیه مدل پارادایمی مهیا شد. اجزای تشکیل‌دهنده پارادایم در این مطالعه شامل پدیده^۱، شرایط علی^۲، شرایط زمینه‌ای^۳، شرایط مداخله‌گر^۴، کنش / واکنش‌ها^۵ و پیامدها^۶ است.

1. phenomena
2. contextual conditions
3. causal conditions
4. intervening conditions

۵. Act/interact: به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد مطالعه‌شده در مواجهه با مسائل اشاره دارد. از این‌رو، نقش پژوهش‌گر در این زمینه به شناسایی راهبردهای به کار گرفته شده از سوی دختران روستایی مطالعه‌شده محدود است و در تعیین آن نقش ندارد.

6. consequences

براساس نتایج حاصل از بررسی مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده و اظهارات مشارکت‌کنندگان در پژوهش مقوله هسته‌ای «بیکاری و بی‌هدفی دختران روستایی» انتخاب شد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل بارادایمی پژوهش

در مرحله پایانی، یعنی کدگذاری انتخابی، با مرور خط سیر داستانی، تلفیق و توأم کردن طبقات و درک رابطه آن‌ها در قالب جمله، همه مراحل پژوهش با دیدی کل‌نگر مرور شد. خط سیر داستانی هرچند کل‌نگر است، جزئیات را به تصویر می‌کشد. در این مطالعه، پدیده بیکاری و روزمرگی دختران روستایی به‌منزله مقوله هسته‌ای شناسایی شد. دختران روستایی به‌شدت از بیکاری و بی‌هدف بودن در زندگی خود آزرده‌خاطرند و با عبارات مختلف این معضل را عنوان کردند. «دخترهای روستا هیچ کار خاصی ندارند. همهش توی خونه‌ن. چاره‌ای ندارند.» معضل بیکاری باعث شده دختران روستایی در اوج جوانی، شادابی و سرزندگی یک جوان را نداشته باشند و به‌تدریج به افرادی خموده و افسرده تبدیل شوند. زهرا ۲۲ ساله و مریم ۱۷ ساله با تحصیلات راهنمایی در این باره معتقد بودند: «دوست دارم صبح نشه. همه روزهامون مثل هم شده.» «از صبح تا شب الکی وقتمون می‌گذره، دیگه حال و حوصله نداریم.» بی‌حوصلگی، افسردگی، تمایل به انزوا پیامدی اسفناک برای دختران جوانی است که می‌خواهند پرورش نسل آینده را برعهده بگیرند. فاطمه ۳۱ ساله با تحصیلات دیپلم وضعیت خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «دیگه نمی‌خوام تو هیچ مراسمی شرکت کنم. دوست دارم تنها تو خونه بمونم.» طبق اظهارات بسیاری از دختران روستایی مطالعه‌شده، بی‌برنامه‌بودن در زندگی به غیر از مشکلات روحی، برخی مشکلات جسمی را نیز برای دختران روستایی به ارمغان آورده است. «از بیکاری همیشه مریضم. هر روز به دردی دارم. چند بار حالم بد شد. مرکز بهداشت رفتم گفتن فشار داری. عصبیه.»

محرومیت از ادامه تحصیل برای دختران روستایی به دلیل نبود مدارس راهنمایی و دبیرستان از مشکلات مهم و یکی از عوامل اصلی بیکاری ایشان محسوب می‌شود که به آن اشاره شد. دختران اعتقاد داشتند به‌رغم همه شایستگی‌ها و حتی برتری استعدادشان از حق ادامه تحصیل محروم مانده‌اند. سمیرا ۲۶ ساله و دارای تحصیلات راهنمایی در این خصوص عنوان کرد: «خانواده اجازه ندادن درس بخونم. درسم از برادرهام بهتر بود. بیشتر دخترهای روستا درسشون خیلی خوب بوده. دخترهای خوبی هم بودن، اما دیگه نداشتن ادامه بدن.» حسرت این محرومیت همیشه با آن‌هاست؛ حتی بعد از یک ازدواج موفق هم با اندوه از این محرومیت یاد می‌کنند. درنهایت، فراهم نبودن امکان ادامه تحصیل، معضل بیکاری دختران روستا را دامن زده است. مهین ۱۹ ساله و دارای تحصیلات راهنمایی می‌گوید: «توی روستا به گلخونه راه افتاده بود. گفتن اگه دخترها دیپلم دارن، بیان اینجا کار کنن. اما چون مدرک نداشتیم، نشد برای کار بریم.»

بیکاری دختران روستایی باعث شده آن‌ها، به‌رغم افزایش سن، همچنان وابستگی مالی داشته باشند. سمانه ۲۱ ساله با تحصیلات راهنمایی، بیکاری و نداشتن درآمد اقتصادی را از مشکلات مهم خود عنوان می‌کند: «درآمدی ندارم. همیشه باید چشمم به دست پدر و برادرم

باشه... هیچ کاری در روستا نیست که بتونیم برای خودمون پول جمع کنیم». با اینکه برخی نهادها، از جمله جهاد کشاورزی، بسیج و...، کلاس‌های مهارت‌آموزی برای دختران روستایی تشکیل داده‌اند، دختران روستایی به‌رغم فراگیری این مهارت‌ها، همچنان از کسب درآمد محروم مانده‌اند. یکی از دلایل این مسئله دسترسی نداشتن دختران روستا به بازار جهت عرضه تولیداتشان است. همین مسئله عدم حمایت، ایشان را از ادامه کار دلسرد کرده است. لیلیا ۳۲ ساله با تحصیلات لیسانس و مرضیه ۲۴ ساله با تحصیلات دیپلم، علاوه بر نبود بازار کار، نداشتن مهارت بازاریابی را مشکل مهم خود مطرح کردند: «کلاس قالی‌بافی برامون گذاشتن. یاد هم گرفتیم. یک مقدار بافتم، اما چون دیدم تابلوفرش‌هایی که دخترخاله‌ام بافته فروش نرفته، دیگه ادامه ندادم... اگه هم چیزی درست کنیم، فایده نداره. چون دست و پا نداریم ببریم شهر بفروشیم. جایی رو هم بلد نیستیم. مردها هم وقت ندارن. حوصله‌ش رو هم ندارن.» از طرفی، یکی از مسائلی که برای دختران روستایی اهمیت داشت، دریافت وامی بود که به واسطه مدارک آموزشی می‌توانستند دریافت کنند. اما در اغلب موارد، به‌رغم پیگیری‌ها، مدرکی به آن‌ها اعطا نمی‌شد.

محدودیت‌های اجتماعی روستا برای دختران روستایی معضلی درخور توجه محسوب می‌شود که خفقان ناشی از بیکاری را تشدید کرده است. دختران روستایی به‌شدت زیر ذره‌بین اهالی روستا قرار دارند. بسیاری از دختران مطالعه‌شده در گفته‌های خود به این محدودیت‌های اجتماعی در روستا اشاره داشتند: «جرئت ندارم توی روستا راه برم. چپ‌چپ نگاهون می‌کنن... این محدودیت باعث شده دختران روستایی جرئت نکنن حتی برای کار ضروری چند بار در روز از منزل خارج بشن. اگه کاری داشته باشیم که مجبور باشیم چند بار در یک روز از خانه بیرون بیاییم، دل‌شوره داریم که پشت سرمون حرف بزنن.» به دلیل همین محدودیت‌ها، دختران روستا از کمترین تفریح، مثل پیاده‌روی در روستا، هم محروم‌اند. شیرین ۱۸ ساله با تحصیلات راهنمایی این وضعیت را این‌گونه توصیف می‌کند: «چهار تا زن که تو روستا باهم راه برن، انگشت‌نما می‌شن. دخترها که بدتر.» تفریح کم‌اهمیتی مثل پیاده‌روی، که از پیش پا افتاده‌ترین تفریحات دختران شهری محسوب می‌شود، می‌تواند دست‌مایه هزار حرف و حدیث برای دختر روستایی شود. «اگه از بیکاری توی روستا قدم بزنیم، برامون دست می‌گیرن. فوری می‌گن دختر فلانی چه تیپی کرده.» این در حالی است که دختر روستایی به هیچ‌گونه امکانات تفریحی برای پرکردن اوقات فراغت دسترسی ندارد.

بسیاری از دختران روستایی از کمبود فضا و امکانات مناسب برای گذران اوقات فراغت گله‌مند بودند: «جایی نداریم راحت دور هم بشینیم.» این مسئله در کنار بیکاری و محرومیت از تحصیل، عرصه را بر دختر روستایی تنگ‌تر کرده است، اما ظاهراً از دید دیگران چندان اهمیتی ندارد. در این وضعیت، بدون وجود هرگونه برنامه رفاهی و سرگرم‌کننده برای دختران روستایی،

ماهواره به تنها سرگرمی بسیاری از دختران جوان تبدیل شده است. طاهره ۲۳ ساله و دیپلم در این باره می‌گوید: «هیچ کاری نداریم. خیلی از دخترها و زن‌های روستا از بیکاری فقط ماهواره می‌بینن.» این سرگرمی مخرب به سرعت پیامدهای منفی خود را در زندگی دختران معصوم روستایی بروز داده و الگوپذیری آن‌ها از شخصیت‌های سخیف قهرمانان سریال‌های ماهواره‌ای موجب شده آینده دختران روستا قربانی سادگی آن‌ها شود. «به خاطر ماهواره بعضی دخترها قیافه‌شون عوض شده. آرایش می‌کنن. زود توی روستا انگشت‌نشون می‌شن. پشت سرشون حرف می‌زنن.» از طرفی مشاهده سریال‌های ماهواره و باور اغراق‌های فریب‌دهنده آن‌ها باعث شده ملاک‌های ازدواج برخی دختران برای ازدواج تغییر کند و گوهر جوانی خود را در انتظار مردی رؤیایی نظیر مدل‌های ماهواره‌ای ببازند. توران ۲۹ ساله با تحصیلات دیپلم می‌گوید: «به خاطر سریال‌های ماهواره بعضی دخترها هم دیگه از پسرهای روستا خوششون نمی‌آد. وقتی می‌آن خواستگاری‌شون، زیر نظرشون نمی‌آد. به تیپ پسرها نگاه می‌کنن.» از طرفی، تغییر ظاهر و رفتار برخی دختران تحت تأثیر عواملی مثل ماهواره موجب شده بعضی خانواده‌ها فشار و محدودیت مضاعفی بر دختران وارد کنند. سارا ۱۸ ساله با تحصیلات راهنمایی در این باره می‌گوید: «چون بعضی دخترها هر لباسی می‌پوشن یا آرایش می‌کنن، خانواده‌ها ما اون‌ها رو می‌بینن، به ما بیشتر سخت می‌گیرن.» به عبارتی، می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد که مردم جامعه روستایی دچار تفاوت‌های فرهنگی شده‌اند. برخی همچنان به فرهنگ سنتی پای‌بندند و در برخی خانواده‌ها ارزش‌ها کم‌رنگ‌تر شده است و رعایت‌نکردن هنجارها از سوی عده‌ای، موجب سخت‌تر شدن شرایط برای زندگی بیشتر دختران در روستا شده است.

اگرچه ظهور ناهنجاری‌های ناشی از برنامه‌های ماهواره در جامعه روستایی فقط منحصر به دختران نیست و رفتار و ظاهر پسران روستا را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، به دلیل محدودیت‌های اجتماعی برای دختران روستایی، بیشترین پیامدهای منفی را برای دختران روستایی دارد. دختران مطالعه‌شده معتقد بودند: «مردم با پسرها کاری ندارن.» به عبارتی، می‌توان ادعان داشت رفتارهای تبعیض‌آمیز موجب می‌شود در این‌گونه موارد، دختران قربانی اصلی محسوب شوند. لیدا ۲۰ ساله با تحصیلات دیپلم تبعیض‌های جنسیتی موجود در روستا را این‌گونه توصیف می‌کند: «اگه تو روستا دختر و پسر باهم حرف بزنی، برای پسر عیبی نداره. اما دختر دیگه اسمش درمی‌آد. همیشه دخترها قربانی‌ان. دیگه هیچکی براش نمی‌آد خواستگاری.»

از دیگر مشکلات دختران روستایی کاهش موقعیت ازدواج برای دختران روستاست. «از دخترهای روستا کمتر خواستگاری می‌کنن.» یکی از دلایل این مسئله، تغییر فرهنگ ازدواج در روستاست. در گذشته، خانواده پسر با توجه به شناختی که از خانواده‌های روستا داشتند، دختری را انتخاب و برای ازدواج به پسر خود معرفی می‌کردند. به عبارتی، خانواده نقش محوری در ازدواج داشت. اما در سال‌های اخیر به تدریج این شرایط تغییر کرده است. می‌توان گفت در

انتخاب پسرها برای ازدواج، نظر خانواده دیگر چندان ملاک نیست. بسیاری از دختران مطالعه شده معتقد بودند: «دیگه پسرها به نظر خانواده‌ها احترام نمی‌دارن. در حال حاضر، پسران تصمیم‌گیرنده اصلی برای ازدواج‌ان. هر پسری از هر دختری خوشش بیاد، براش خواستگاری می‌کنن. قبلاً خانواده‌ها به پسرها می‌گفتن دختر فلانی رو بگیر. حالا پسرها خودشون تصمیم می‌گیرن.» از طرفی، چون پسران روستا تحرک اجتماعی بیشتری دارند، دایره همسرگزینی برای آن‌ها فراتر از روستا می‌شود. این مسئله کاهش موقعیت ازدواج برای دختران روستا را تشدید می‌کند. کبری ۲۹ ساله با تحصیلات ابتدایی دلایل کاهش فرصت ازدواج دختران روستایی را این‌گونه بیان می‌کند: «بیشتر پسرها چون راحت‌اند و به روستاهای دیگه و شهر می‌رن، با دخترهای غیر از دخترهای روستای خودمون ازدواج می‌کنن.» این مسئله بیکاری و روزمرگی را در زندگی دختران روستایی تشدید کرده است.

در کنار همه این مشکلات، فرهنگ مردسالاری در بیشتر خانوارهای روستایی باعث آزدگی دختران روستایی شده است. تأثیر این فرهنگ در برخی خانواده‌ها به اندازه‌ای است که فقط فرزندان ذکور را قبول دارند. «بعضی خانواده‌ها فقط پسر می‌خوان. اگه کسی پسر نداره، مردم می‌گون اجاقش کوره.» این فرهنگ باعث شده برخی خانواده‌های روستایی امتیازات خاصی برای پسران خود قائل باشند. «خانواده در مورد همه‌چیز از پسرها نظر می‌خوان.» این تفاوت در رفتار با فرزندان موجب ایجاد حس تحقیر در دختران شده است؛ به‌ویژه اینکه دختران روستا به دلیل محدودیت‌های اجتماعی که قبلاً شرح آن گذشت، برای همه امور خود به مردان خانواده خود وابسته‌اند. گاهی این وابستگی باعث تشدید برتری پسران خانواده بر دختران می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که برادر از نظر سنی کوچک‌تر است، تحمل این اقتدار برای دختران سنگین‌تر است. فرانک ۲۶ ساله با تحصیلات راهنمایی می‌گوید: «اگه توی روستا بخوایم خونه فامیلمون بریم، باید یه مرد، حتی برادر کوچک‌ترمون، با ما بیاد. خودمون بزرگشون کردیم، اما اون‌ها هم برامون غیرتی‌بازی درمی‌آرن.»

قرار گرفتن این مسائل در کنار هم باعث واماندگی دختران روستایی شده است؛ به گونه‌ای که آن‌ها آرزوی شهرنشینی را در سر می‌پرورانند. فقدان کوچک‌ترین سرگرمی و دل‌خوشی و نداشتن هدف و برنامه برای زندگی موجب شده است که دختران روستایی به دنبال گریز از روستا باشند. به نحوی که، بسیاری از دختران روستایی مهاجرت به شهر را به‌منزله تنها راهکار پیش روی خود عنوان می‌کنند: «دوست دارم شهر زندگی کنم. توی روستا همه چشم‌ها دنبالته... دخترهای شهر راحت‌ان. اگه می‌شد ما هم می‌رفتیم شهر، لااقل کاری، هنری یاد می‌گرفتیم.»

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این تحقیق و صدها مطالعه انجام شده درباره مشکلات دختران روستایی (نظیر مطالعه رحیمی، ۱۳۷۶؛ افتخار، ۱۳۸۲؛ نقدی و بلالی، ۱۳۸۲؛ مجدالدین، ۱۳۸۶؛ طالب و همکاران، ۱۳۹۰؛ لطیفی و همکاران، ۱۳۹۲؛ فرضی‌زاده، ۱۳۹۳؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۳) گواه این است که دختران روستایی در شرایط مناسب و مطلوبی به سر نمی‌برند و روزبه‌روز با افزایش شکاف بین شهر و روستا و فاصله دسترسی دختران و پسران روستایی به امکانات و موقعیت‌ها این مسئله بغرنج‌تر می‌شود. در مطالعه حاضر، پدیده بیکاری و بی‌هدفی دختران روستایی به‌منزله مقوله مرکزی شناسایی شد. این پدیده نیز، به نوبه خود، معلول شرایط و عوامل مختلفی نظیر محدودیت‌های اجتماعی، حمایت نکردن از توانمندی دختران و نابرابری‌های جنسیتی است که به گسترش فقر و محرومیت، انزوای اجتماعی، احساس درماندگی و بی‌حوصلگی، کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی، ناامیدی و بی‌علاقگی به زندگی آینده منجر شده است. مطالعه رستمی و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۵) نیز در بررسی مطالعه بیکاری از نگاه بیکاران روستایی، حاکی از آن است که افراد بیکار پس از مدتی فقر و بیکاری برای جلوگیری از تحقیر و تمسخر دیگران و تخریب اعتمادبه‌نفس خود، گسست روابط با دوستان و انزوای اجتماعی را برمی‌گزینند. از سوی دیگر، این معضل سبب کاهش فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و سوق یافتن به سوی بزهکاری‌های اجتماعی می‌شود.

براساس یافته‌های پژوهش، تبعیض جنسیتی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی در جامعه روستایی بسیار مشهود است. این مسئله تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، محدودیت‌های جدی برای دختران روستایی مطالعه شده ایجاد کرده است؛ به نحوی که این احساس سرخوردگی در کنار نبود فرصت برابر برای حضور در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی سبب شده آنان به تغییراتی که باید برای بهبود زندگی‌شان انجام دهند، بی‌اعتنا باشند و موضوع انفعالی در پیش‌گیرند. محققان مختلفی همچون پورطاهری و پوروردی نجات، ۱۳۸۸؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ نیس و جوانمردی، ۱۳۹۴ نیز بر تبعیض علیه دختران در جوامع روستایی تأکید داشتند و معتقد بودند ارتقای آگاهی، مشارکت و دسترسی زنان به فرصت‌های برابر مستلزم شکسته شدن کلیشه‌های جنسیتی و تعدیل عناصر فرهنگی و سنتی در مورد زنان و دختران روستایی است.

دختران جوان روستایی به اندازه پسران نیازمند برخورداری از امکانات آموزشی، تسهیلات فرهنگی و اجتماعی در راستای کشف استعدادها و توانمندی‌هایشان هستند. به منظور دستیابی به این هدف، جامعه روستایی باید در نحوه برخورد با دختران روستایی بازنگری کند. خانواده روستایی باید نگاهش را به دختران خود، به‌منزله موجودات مصرف‌کننده و ناتوان، تغییر دهد، زیرا دختران و زنان روستایی در ایفای نقش‌های متنوعشان، سهم بسزا و تعیین‌کننده‌ای در

بهبودی و توسعه معیشت روستایی و نیز رفاه کودکان دارند و رشد موقعیت دختران و زنان روستایی و دسترسی آنان به امکانات برابر تحصیلی، آموزشی، کسب اعتبار مالی و سایر خدمات اجتماعی، تأثیر مستقیمی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور خواهد داشت. در این میان، آموزش جامعه روستایی در راستای بازنگری نگرش و باورها در خصوص جایگاه و حقوق دختران در مناطق روستایی ضرورتی مسلم است. همچنین لازم است زمینه‌ای فراهم شود که دختران بتوانند قابلیت‌های خود را بروز دهند و دیدگاه خانواده و جامعه را درباره خود تغییر دهند. این امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر با در نظر گرفتن تدابیری که طی آن برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای منسجم مورد نیاز ایشان ارائه شود و صد البته در وهله اول لازم است بین نهادها و سازمان‌های مختلفی که به اشکال مختلف به زنان و دختران روستایی خدمات‌رسانی دارند هماهنگی و انسجام لازم به عمل آید. دوره‌های آموزشی هدفمند طراحی شود و پس از اتمام دوره، توانمندی‌های ایشان مورد حمایت قرار گیرد. احداث کارگاه‌های صنایع دستی در مناطق روستایی یا حداقل استقرار مراکزی در مناطق روستایی که تولیدات و مصنوعات دختران روستایی را جمع‌آوری و بازاریابی کند، الزامی است. در غیر این صورت، آن‌چنان که از یافته‌های این پژوهش استخراج شد، دختران به‌رغم دریافت آموزش‌های مختلف، انگیزه‌ای برای کار و تولید نخواهند داشت. دختران مجرد، به‌ویژه آن دسته از دختران کم‌سواد، فاقد شغل و درآمد، نیازمند توجه نهادهای حمایتی هستند. توانمندسازی و بیمه آن‌ها ضرورت دارد. به اعتقاد فرضی‌زاده (۱۳۹۳) دختران روستایی می‌توانند با یادگیری مهارت و برخورداری از امکانات لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار از عهده تأمین معاش خود برآیند و از وابستگی‌های بیابند. همچنین، ایجاد مراکزی نظیر کتابخانه، سالن ورزش و... در مناطق روستایی برای گذران اوقات فراغت دختران روستایی از ضروریات است. به‌خصوص در شرایطی که مطابق یافته‌های این پژوهش، روستاها با پدیده ماهواره روبه‌رو هستند و سریال‌های پر رنگ و لعاب و خالی از فرهنگ و محتوایی که روزبه‌روز در میان خیل عظیم دختران روستایی، که کار و فراغت دیگری ندارند، محبوب‌تر می‌شوند، ضمن اتلاف عمر گران‌مایه آن‌ها، مشکلات فرهنگی و اجتماعی بسیاری را در جامعه روستایی ایجاد می‌کند. دختر روستایی ضمن مقایسه موقعیت منزلت خود با قهرمانان به‌ظاهر سعادت‌مند سریال‌های ماهواره هرچه بیشتر دچار افسردگی می‌شود و این افسردگی در پاره‌ای مواقع به شکل هنجارشکنی‌ها و زیر پا گذاشتن ارزش‌های فرهنگی جامعه نمود می‌یابد که به تدریج عواقب ناخوشایندی به دنبال خواهد داشت. ضمن آنکه آنچه این مشکل را تشدید می‌کند، دسترسی نداشتن دختران روستایی به فرصت‌هایی است که در اختیار پسران است. در این زمینه، می‌توان به آزادی پسرهای روستایی و امکان مهاجرت آنان به شهرها اشاره کرد. مطابق با نتایج مطالعه مجدالدین، ۱۳۸۶؛ نقدی و بلالی، ۱۳۸۹، هنگامی که پسران در راه کسب علم، تخصص و شغل مناسب به شهرها مهاجرت می‌کنند و با یک تحرک

طبقاتی سعودی به پایگاه اجتماعی بالاتری ارتقا می‌یابند، دیگر حاضر نیستند با دخترانی در اقشار و طبقات پایین‌تر خود در روستا ازدواج کنند و به ازدواج با دختران شهری متمایل می‌شوند. این امر به نوبه خود به کاهش فرصت ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج دختران روستایی و تشدید آسیب‌های اجتماعی منجر شده است.

بنابراین، باید اذعان داشت در شرایط موجود ضرورت و فوریت اجرای تدابیر مناسب در جهت رفع مسائل و مشکلات دختران در مناطق روستایی بسیار مبرهن است و شاید تنها گزینه نجات‌بخش نیمی از جمعیت جوان و گران‌قدر روستا محسوب شود.

پیشنهادها

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مناطق روستایی در راستای تغییر نگرش خانواده‌ها در خصوص جایگاه دختران روستایی در خانواده و جامعه در راستای حذف تبعیض و نابرابری علیه ایشان؛

- برگزاری جلسات مشاوره روان‌شناسی در روستاها به منظور رفع مشکلات روحی دختران روستایی که کم‌وبیش در آستانه ابتلا به افسردگی هستند؛

- ساماندهی به آموزش حرفه‌ای دختران روستایی با هماهنگی سازمان‌های مسئول در راستای تأمین استقلال مالی و اجتماعی ایشان؛

- تأمین امکانات لازم و فضای مناسب در روستاها جهت گذران اوقات فراغت دختران روستایی و ممانعت از روی آوردن ایشان به تفریحات ناسالم؛

- احداث مراکز آموزش رسمی ویژه دختران در روستاها به گونه‌ای که به دلیل دوری راه و فقر خانواده، شانس و امکان ادامه تحصیل از دختران روستایی، که اغلب نیز استعدادهای درخشانی دارند، دریغ نشود؛

- تغییر فرهنگ مردسالاری و تبعیض در روستاها با مشارکت دادن زنان روستایی در تصمیمات جمعی جامعه روستایی و شورا به گونه‌ای که دختران روستایی آینده‌ای روشن‌تر را پیش روی خود ببینند؛

- برقرار کردن تدابیر حمایتی از جمله تضمین خرید مصنوعات دستی زنان و دختران روستایی و همچنین ایجاد نمایشگاه‌ها و بازارچه‌هایی که ایشان بتوانند به عرضه محصولات خود بپردازند و امنیت مالی داشته باشند؛

- ایجاد صندوق‌های اعتباری در مناطق روستایی ویژه دختران و زنان روستایی که موجب ارتقای توان مالی ایشان شود.

منابع

- [۱] استراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). *میانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- [۲] افتخار، رکن‌الدین (۱۳۸۲). «دختران جوان روستایی، چشم‌اندازی به آینده»، پیام زن، آذر، ش ۱۴۰.
- [۳] افشارکهن، جواد (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان ایران با تأکید بر دختران روستایی»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی زنان، س ۱۱، ش ۴۴، ص ۱۱۱-۱۴۴.
- [۴] پورطاهری، مهدی؛ پوروردی نجات، مینو (۱۳۸۸). «سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان روستایی: مطالعه موردی استان گیلان»، دانش‌نامه علوم اجتماعی، ش ۲، ص ۱۱۵-۱۵۴.
- [۵] خانی، فضیله؛ احمدی، منیژه (۱۳۸۸). «تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی»، پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۴.
- [۶] رحیمی، موسی (۱۳۷۶). «دختران روستایی، تولیدکنندگان گمنام»، پیام زن، آذر، ش ۶۹.
- [۷] رستمی، فرحناز؛ صحرایی، ماریه؛ ملکی، طاهره؛ ساسانی، فاطمه؛ شاهمرادی، مهنا. (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی چالش‌ها و مشکلات دختران در جوامع روستایی (مطالعه‌شده: دهستان ماهیدشت شهرستان کرمانشاه)»، زن در توسعه و سیاست، ش ۴۷، ص ۴۸۹-۵۰۶.
- [۸] رستمی، میلاد؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵). «مطالعه بیکاری از نگاه بیکاران روستایی و پیامدهای آن (مطالعه موردی: روستای حسن‌آباد در شهرستان دلفان)»، فصل‌نامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۱، ش اول، ص ۷۳-۱۰۲.
- [۹] سعدی، حشمت‌الله؛ لطیفی، سمیه؛ ودادی، الهام (۱۳۹۱). «بررسی مشکلات و مسائل دختران روستایی در استان همدان»، فصل‌نامه روستا و توسعه، س ۱۵، ش اول، ص ۱۵۳-۱۷۶.
- [۱۰] طالب، مهدی؛ فیروزآبادی، سید احمد و پیری، صدیقه (۱۳۹۰). «مسئله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی (مطالعه موردی روستای گنبد پیرمحمد از توابع شهرستان ملکشاهی-استان ایلام)»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۲، تابستان.
- [۱۱] طالبی‌فر، محمدرضا (۱۳۸۲). «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان (مطالعه‌شده: شهرستان قائنات)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- [۱۲] علی‌بیگی، امیرحسین؛ حیدری، حسین (۱۳۹۴). «بررسی نگرش والدین به ادامه تحصیل

- دختران روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان سنقر و کلیایی)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، ش ۳، ص ۵۹۳-۶۱۲.
- [۱۳] علیزاده، سهیلا؛ بنی‌هاشم. فروغ السادات (۱۳۹۱). «جنسیت و توسعه: نگاهی به تحولات جمعیت‌شناختی مناطق روستایی کشور»، مطالعات توسعه اجتماعی/ایران، س ۴، ش ۲، ص ۸۱-۹۳.
- [۱۴] فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۳). «طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد»، توسعه روستایی، دوره ۶، ش اول، ص ۱۲۳-۱۴۶.
- [۱۵] فیروزآبادی، سید احمد؛ فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۸۸). «بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در خانواده (مطالعه موردی: روستای میانده از توابع شهرستان صومعه‌سرا- استان گیلان)»، مجله توسعه روستایی، دوره اول، ش اول، ص ۳۵-۶۵.
- [۱۶] کلانتری، عبدالحسین؛ فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲). «فرا تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده درباره نابرابری جنسیتی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، ش اول، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- [۱۷] لطیفی، سمیه؛ سعدی، حشمت‌الله؛ شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۹۲). «تحلیل عاملی مشکلات زنان قالی‌باف روستایی»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، س ۴، ش اول، ص ۲۹-۵۱.
- [۱۸] مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶). «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ش ۵۳، ص ۳۱-۴۲.
- [۱۹] محمدپور، احمد؛ علیزاده، مهدی (۱۳۹۰). «زنان و فرهنگ فقر: مطالعه کیفی فرهنگ فقر در میان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی ساری»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۸، ص ۱۶۵-۱۹۷.
- [۲۰] نقدی، اسدالله؛ بلالی، اسماعیل (۱۳۸۹). «مسئله اجتماعی خاموش و نامرئی کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی (با تأکید بر یافته‌هایی از نقاط روستایی همدان)»، توسعه روستایی، دوره ۲، ش ۲، پاییز و زمستان.
- [۲۱] نیسی، خدیجه؛ جوانمردی، منوچهر (۱۳۹۴). «بررسی شاخص‌های توسعه انسانی با تأکید بر تبعیض و نابرابری جنسیتی در نواحی روستایی»، فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، س ۷، ش ۲۵، ص ۱۰۷-۱۱۷.
- [22] Given, L. M. (2008). *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Method*. London, Sage Publications.
- [23] Hoffman, J.M., Mehra, S. (1999). Programs management leadership and pro-ductivity. improvement, *International Journal of Quality Management*. 2, pp221-232.

- [24] Pal, S. (2004). How Much of the Gender Difference in Child School Enrolment Can be Explained? Evidence from Rural India, *Bulletin of Economic Research*, Vol. 56, Issue 2, pp. 133-158.
- [25] Qiang, D., Xiaoyun, L., Hongping, Y., Keyun, Z. (2008) 'Gender Inequality in Rural Education and Poverty' *Chinese Sociology & Anthropology*.